



Research Article
**Method of Analyzing Theoretical Challenges
in Social Knowledge**

Shamsollah Mariji¹

Received: 15/01/2022

Accepted: 13/04/2022

Abstract

Undoubtedly, social phenomena as the subject of a study, as complex as they are, have several aspects and sides, the correct analysis of each of which requires its own appropriate method. Therefore, researchers in the field of social studies have tried to develop a special study method in this area to be able to explore phenomena more closely to reduce the possibility of error. Of course, one should not ignore the fact that if all social phenomena are studied from a reductionist point of view through one or more general methods, it is likely that the researcher will deviate from his goal, which is a better and more accurate knowledge of social phenomena. Therefore, as far as possible, a unique method should be used for each social issue and phenomenon. In this study, the author intends to examine the theoretical challenges, which is one of the most frequent phenomena in today's societies, through an appropriate method and then, for its analysis, provides a special methods for university students in the field of social knowledge to gain a more accurate understanding of the challenge before them and finally present the results to the experts in the field of opinion and the rulers in practice. The proposed method is, in fact, a beacon that can be used to study the challenge from multiple aspects and not be only limited to one aspect.

Keywords

Theoretical challenge, social phenomenon, society, social knowledge.

1. Associate Professor, Department of Social Sciences, Baqir al-Olum University, Qom, Iran. mariji@bou.ac.ir.

* Mariji, SH. (1401 AP). Method of analyzing theoretical challenges in social knowledge. *Journal of Islam and Social Studies*, 9(36), pp. 34-58. DOI: 10.22081/JISS.2022.61630.1858.

Copyright © 2021, Author (s). This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License (<http://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/>) which permits copy and redistribute the material just in noncommercial usages, provided the original work is properly cited.

مقاله پژوهشی

روش تحلیل چالش‌های نظری در دانش اجتماعی

شمس‌الله مریجی^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۱/۲۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۲۰

چکیده

بی‌تردید، پدیده‌های اجتماعی به‌عنوان موضوع تحقیق، به‌اندازهٔ پیچیدگی خود دارای جهات و اضلاع متعددی هستند که تحلیل درست هر یک از آن‌ها به روش مناسب خود نیاز دارد. به همین جهت، محققان در حوزهٔ مطالعات اجتماعی تلاش کردند با ابداع روش مطالعهٔ ویژهٔ این رشته بتوانند پدیده‌ها را مورد کاوش دقیق‌تر قرار داده تا احتمال خطا را کاهش دهند؛ البته نباید این حقیقت را از نظر دور داشت که اگر با نگاهی تقلیل‌گرایانه، همهٔ پدیده‌های اجتماعی از طریق یک یا چند روش کلی مورد مطالعه قرار داده شود، بعید نیست محقق را از هدفش که شناخت بهتر و دقیق‌تر پدیده‌های اجتماعی است، دور بدارد؛ لذا تا جایی که ممکن است باید برای هر موضوع و پدیده‌ای اجتماعی بتوان از روش منحصر به آن بهره گرفت. نگارنده در این تحقیق بنا دارد چالش‌های نظری را که یکی از پدیده‌های پرتکرار در جوامع امروز است، با شیوه‌ای مناسب مورد بررسی قرار داده و برای تحلیل آن روشی خاص پیش روی دانشجویان رشتهٔ دانش اجتماعی قرار دهد تا شناخت دقیق‌تری نسبت به چالش پیش روی خود پیدا کرده و سپس نتیجه‌اش را در اختیار حکیمان در میدان نظر و حاکمان در مقام عمل قرار دهند. روش پیشنهادی در حقیقت، چراغ راهی است که با بهره‌گیری از آن می‌توان چالش مورد نظر را از ابعاد متعدد مورد مطالعه قرار داده و تنها به یک بعد از ابعاد آن اکتفا نشود.

کلیدواژه‌ها

چالش نظری، پدیدهٔ اجتماعی، جامعه، دانش اجتماعی.

mariji@bou.ac.ir

۱. استاد گروه علوم اجتماعی دانشگاه باقرالعلوم (ع)، قم، ایران.

* مریجی، شمس‌الله. (۱۴۰۱). روش تحلیل چالش‌های نظری در دانش اجتماعی. فصلنامه علمی- پژوهشی اسلام و مطالعات اجتماعی، ۹(۳۶)، صص ۳۴-۵۸.
 DOI: 10.22081/JISS.2022.61630.1858

مقدمه

از جمله واژگانی که در چند دهه اخیر در ادبیات علوم انسانی، به ویژه در مباحث اجتماعی توسط محققان اجتماعی و اندیشمندان علوم انسانی مطرح و تا حدودی پر تکرار شده است، واژه «چالش» می باشد. کاربرد این واژه تا پیش از این خیلی به چشم نمی آمد. اگرچه واژه مذکور در لغت نامه های فارسی ضبط و معنی شده است، اما کاربرد رایج و امروزی آن، با معانی لغت نامه ای آن تفاوت دارد. غالباً «چالش» را معادل Challenge تلقی می کنند، حال آن که تأملی در کاربرد این واژه در متون و محاورات نشان می دهد معانی متفاوت و مختلفی از این لفظ مورد نظر بوده که با معنای Challenge انطباق کامل ندارند.

بی تردید تحدید و تنقیح معنای «چالش»، به ویژه برای کاربرد در مباحث و پژوهش هایی که به منظور بررسی «چالش ها» در عرصه علوم اجتماعی انجام می شوند، نه تنها امری لازم، بلکه ضروری به نظر می رسد؛ چه اینکه بدون آن، ممکن است موضوع و محور اصلی پژوهش مبتلا به ابهام گردد. لازم به ذکر است که هدف در این تحقیق واکاوی و تبیین لغوی و اصطلاحی این واژه نیست (ذوعلم، ۱۳۸۴)، اما در عین حال تعریف مختار از «چالش» در این مقاله امری ضروری و بایسته است. مراد ما از چالش در دانش اجتماعی عبارت است از: «شرایط و وضعیت جدیدی که مسیر آینده جامعه را از بیرون مورد هجوم قرار داده، حفظ تعادل آن را دچار مشکل و مستلزم تلاشی سخت و سرنوشت ساز می سازد» (ذوعلم، ۱۳۸۴).

مقاله حاضر با توجه به این معنا از چالش، آن را از جمله پدیده های اجتماعی مهم می داند که برای شناخت دقیق ابعاد و مؤلفه های آن باید چراغ راه مناسب با آن را جستجو کرد؛ چون پدیده اجتماعی مذکور را نمی توان به سان سایر پدیده های اجتماعی با یک یا دو روش شناخته شده در علوم اجتماعی مورد شناسایی همه جانبه قرار داد. البته ادعای ابداع روش جدید نداریم، بلکه به نوعی تلفیقی از روش های موجود در علوم اجتماعی صورت گرفته تا چالش های پیش رو را بهتر شناسایی نموده و در مواجهه با آن موفقیت بیشتری داشته باشیم.

نوشتار پیش رو درحقیقت تلاش دارد به دانش پژوه رشته دانش اجتماعی بیاموزد که برای شناخت دقیق تر چالش های نظری مورد مطالعه خود، چه راهکاری را باید اتخاذ کند تا در فرایند تحقیق و صد البته در نتیجه به خطای کمتری دچار شود. به اعتقاد نگارنده، برای رسیدن به مطلوب باید چند سؤال کلیدی پاسخ داده شود تا از مجموع پاسخ های به دست آمده، تحلیل درستی از چالش مورد نظر به دست بیاید. برخی از آن سؤالات عبارتند از:

۱. مبانی نظری (معرفت شناختی، هستی شناختی، انسان شناختی) چالش مورد نظر چیست؟
۲. زمینه های (علمی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و محیطی) پیدایش چالش چیست؟
۳. عامل یا عاملان مؤثر در چالش مورد نظر کدامند؟ آیا داخلی هستند یا خارجی؟
۴. عکس العمل ها در برابر چالش چگونه است؟ از حیث رفتاری انفعالی، فعال یا خنثی؛ از حیث عاملان عکس العمل گروه های متعدد مثل علما و تجار و توده چگونه است؟
۵. قلمرو چالش، گسترده و همه گیر است یا محدود در قشر و یا گروهی خاص است؟
۶. چالش مورد نظر با چه سرعت (تدریجی یا دفعی) و در چه جهتی (مثبت یا منفی) است؟
۷. آیا چالش مورد نظر با برنامه بوده است یا بدون برنامه؟ برنامه داخلی یا بیرونی؟
۸. پیامدهای چالش مورد نظر به لحاظ ماهیت، چه نوع و در چه حوزه هایی است؟
۹. آیا آینده چالش ایجاد شده قابل پیش بینی است یا خیر؟
۱۰. راهکارهای ارائه شده برای مقابله با چالش چیست و چگونه بوده است؟

در اینجا لازم است به دو نکته اشاره کنم: نخست اینکه در روش پیشنهادی در این تحقیق، سؤالاتی که محقق باید در فرایند تحقیق بدان پاسخ دهد، منحصر در سؤالات ذکر شده در بالا نیست. همان طور که اشاره شد، این سؤالات اساسی و بنیادی است که

بدون پاسخ به آن نمی‌توانیم تحلیل مناسبی از چالش مورد نظر ارائه کنیم؛ چون برای تحلیل چالش‌ها باید متناسب با آن چالش و صدالبته جامعه‌ای که با آن چالش روبه‌رو شده، سؤالات طراحی شوند. اما سؤالاتی که در اینجا برشمرده شد، برای هر چالشی که مورد مطالعه قرار گرفته، لازم و ضروری است.

نکته دوم که توجه به آن در مطالعه چالش‌ها امری لازم و ضروری است، این است که محقق در فرایند مطالعه چالش‌ها باید چالش مورد نظر را با دو شیوه ایستایی‌شناسی و پویایی‌شناسی مورد بررسی قرار دهد. یعنی محقق ابتدا باید با سؤالات مذکور، چالش مورد نظر را به شیوه ایستایی‌شناسانه بررسی کند؛ چون با این روش می‌تواند پدیده‌های اجتماعی و علل نظم اجتماعی و ثبات آن در جامعه را به‌عنوان یک کل، در یک زمان مشخص مورد بررسی قرار دهد. اما برای اینکه فرایند مطالعه چالش نظری و یا هر پدیده اجتماعی دقیق‌تر صورت گیرد تا نتیجه به‌دست آمده مطلوب و نزدیک به واقع باشد، نباید از مطالعه پویایی‌شناختی پدیده غافل شد؛ چون در مطالعه پویایی‌شناختی، یک پدیده در مراحل متوالی مطمع نظر قرار می‌گیرد تا فراز و نشیب‌های آن در گذشته شناخته شود، سپس با استفاده از داده‌های به‌دست آمده، زمان حال را بهتر شناخته و پیش‌بینی وضعیت آینده نیز برای او آسان‌تر می‌شود.

در ادامه، برای اینکه بتوانیم مسیر پیگیری و تحلیل چالش با روش پیشنهادی را بهتر نشان دهیم، چالش «سکولاریسم در ایران» را به‌عنوان یک پدیده مورد مطالعه قرار داده و روش مطالعه پیشنهادی را با این مصداق عینی پیگیری می‌کنیم؛ با این توضیح که جهت پیگیری از اطاله سخن و البته محدودیت در تدوین مقاله، فقط به چند مورد از سؤالات مذکور می‌پردازیم.

۱. مبانی نظری چالش سکولاریسم

۱-۱. مبانی معرفتی

اصولاً هر نگرش و بینشی در عرصه علم و عمل، مبتنی بر مبانی معرفتی ویژه خود بوده و برای ایجاد، رشد و توسعه، بر مجموعه‌ای از مبانی، اصول و بنیان‌های فکری استوار

است. در این میان، هر یک از مصادیق چالش‌های نظری را که در نظر بگیرید، از این امر مستثنی نخواهد بود. سکولاریسم، یکی از چالش‌های نظری جدی در جامعه اسلامی است. برای شناخت دقیق این چالش، ابتدا باید بنیان‌های نظری آن مورد کاوش قرار گیرد تا این چالش نتواند در اندیشه و عمل جامعه بحرانی ایجاد کند؛ زیرا نهال سکولاریسم قطعاً در خاستگاه خود، بن‌مایه‌های معرفتی‌ای داشته است که شناخت آن می‌تواند به ما کمک کند تا در مواجهه با آن بتوانیم موفق عمل کنیم.

۱-۱-۱. اومانیزم (انسان‌گرایی)

انسان‌گرایی در حقیقت جریانی فکری است که در آن بر ارزش‌های خاص انسانی در برابر ارزش‌های مادی، اقتصادی، فنی و یا ارزش‌های دینی فوق مادی تأکید می‌شود. تأکید بر این نکته که تنها انسان، معیار سنجش همه چیز است، نوعی انسان‌گرایی است (بیرو، ۱۳۵۷، ص ۱۶۴). این نحله فکری بر اصولی تکیه دارد: مانند اینکه انسان با راهنمایی‌های عقل خودبنیاد، تجربه بشری و بدون استمداد از هدایت‌های سرمدی، حیاتی نیکو برای خود بیافریند و یا اینکه شرط نخست و اساسی برای دستیابی به حیات نیکو در این جهان، آزادساختن فکر از بند جهل و خرافات و رهاکردن انسان از مظالم اجتماعی است؛ و از همه مهم‌تر اینکه هدف، خود حیات است و انسان باید به حیات سعادت‌مند در این جهان بیندیشد، نه به عاقبتی فضیلت‌مند در آن جهان (شجاعی زند، ۱۳۷۶، ص ۳۶).

۱-۱-۲. ملی‌گرایی

ملی‌گرایی، وحدت ملی را هدف اصلی خود دانسته و برای رسیدن به آن، شعار چهارگانه‌ای همچون دولت ملی مستقل، پیشرفت ملی، مأموریت ملی و وفاداری مطلق به دولت ملی را پیش روی خود قرار داده و در مقابل موانع رسیدن به این هدف، از هیچ‌گونه تلاشی فروگذار نکرده است. به اعتقاد این ایده فکری، باورهای دینی مخلّ وحدت ملی خواهد بود؛ از این رو، آن را امری فرعی دانسته و دین و معتقدات دینی را

امری شخصی قلمداد کرده است. این ایده درحقیقت، یکی از مبانی معرفتی سکولاریسم را تشکیل داده تا بتواند با تکیه بر این مبنا معرفتی، شعار جدایی دین از سیاست و حکومت را ساز کند (مریجی، ۱۳۸۲، ص ۸۵).

۱-۳-۱. عقل‌گرایی

عقل‌گرایی یا خردگرایی، آیین خاصی در اندیشه است که خرد را محور دانایی انسان دانسته و شناخت را جز از طریق خرد و کاربرد منظم آن میسر نمی‌داند (ساروخانی، ۱۳۷۰، ص ۶۱۲). به گواهی تاریخ اجتماعی غرب، از قرن هجدهم به بعد، عقل‌گرایی چنان حاکمیت یافت که حتی دین در برابر آن، امری غیر عقلانی به شمار آمد و کار به جایی رسید که آن را در جرگه خرافات قرار دادند؛ باورهای دینی در جامعه به سستی گرایید و افراد، توفیق خود را از عوامل ماورایی نمی‌طلبیدند (گلدمن، ۱۳۷۵، ص ۱۰۴)؛ سکولاریسم نیز یکی از پایه‌های فکری و معرفتی خود را عقل‌گرایی قرار داده و به پشتوانه این مبنا فکری، نغمه بی‌نیازی از دین در امور اجتماعی سر داده و دین و باورهای مذهبی را در جرگه امور درونی و شخصی می‌شمارد و آن را متعلق به درون انسان دانسته و حق دخالت در اجتماع را به آن نمی‌دهد.

صد البته در اینجا بنای پاسخگویی نداریم. غرض، اشاره به برخی از مبانی معرفتی سکولاریسمی بود که در این تحقیق به‌عنوان یکی از مصادیق چالش‌های نظری در جامعه اسلامی مورد توجه قرار گرفته است. هرچند بنیان‌های دیگری چون لیبرالیسم و ناسیونالیسم و امثال آن نیز از مبانی سکولاریسم می‌باشد که برای پیشگیری از اطاله سخن از آن‌ها می‌گذریم.

۲. زمینه‌های چالش سکولاریسم

بی‌تردید، هر تفکر جدیدی برای اینکه بتواند در میدان اندیشه عرض اندام کند، باید مراحل را پشت سر گذاشته و زمینه‌های لازم را داشته باشد. به همین جهت، یکی دیگر از مؤلفه‌هایی که محقق باید در مطالعه چالش‌های نظری به آن توجه کند، زمینه‌های

پیدایش چالش مورد نظر در جامعه است؛ مانند زمینه‌های علمی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و ... که در ایجاد یا توسعه چالش تأثیر دارند و باید مورد توجه قرار گیرند.

۱-۲. زمینه‌های علمی

یکی از زمینه‌هایی که توانست بستر مناسبی را جهت ظهور و بروز اندیشه‌های نو نظیر سکولاریسم، در غرب و سپس در جوامع دیگر مهیا کند، علم مدرن بود. به اعتقاد ویلسون، علم به‌ویژه در فعالیت‌های تولیدی و پیدایش و تحول فنون جدید، از احساس وابستگی انسان به الوهیت کاست. با افزایش قابلیت‌های روزافزون انسان برای ارزیابی و تأمین نیازهای خویش، این فرض مسلم گرفته شد که رفاه و سعادت اجتماعی در گرو برنامه‌ریزی اجتماعی است، نه موکول به مشیت الهی (مربیجی، ۱۳۸۲، ص ۴۳).

۲-۲. زمینه‌های اجتماعی

به اعتقاد علامه فقید، محمدتقی جعفری، سه واقعه اجتماعی در تاریخ، زمینه‌های اجتماعی بروز اندیشه سکولاریستی را فراهم نمودند:

الف. مشاجره میان دستگاه پاپ و سلطنت فرانسه (در سال‌های ۱۲۶۹ تا ۱۳۰۳ میلادی که در نتیجه آن، گنجانده شدن فرضیه امپریالیسم پاپ، در قانون شرع بود) مسئله مخالفت با امپریالیسم پاپ بود که به تدریج شکل گرفت، که البته هدف و سمت حرکت آن کم‌کم مشخص شده و پیامدش نیز محدودیت قدرت روحانیت بود.

ب. در خلال مشاجره میان ژان پل بیست و دوم و لوی بادریر، فرضیه محدودیت قدرت روحانیت و انحصار وظایف آن به امور دنیایی دیگر تکامل یافت؛ درحالی که کلیسا همچنان به صورت یک مؤسسه اجتماعی باقی ماند.

ج. مشاجره‌ای که نخستین مرتبه درون کلیسا و در میان روحانیان در گرفت. نوع این مشاجره با مشاجرات سابق میان قدرت روحانی و جسمانی فرق داشت و مخالفت با قدرت مطلقه پاپ، در این مشاجره شکل جدیدی به خود گرفت. در تاریخ مسیحیت،

این نخستین بار بود که رعایا و پیروان یک قدرت، مشروطیت و حکومت نمایندگی را به زور به آقای خود بقبولانند.

مرحوم علامه پس از بیان وقایع مذکور می‌گوید: «این سه واقعه می‌بایست مدعیان پیشتازی در دین (ارباب کلیسا) را تعدیل می‌کرد؛ اما متأسفانه با افراط و تفریطی که در ارزشیابی دین صورت دادند، انسانیت را زخمی کردند و ماکیاولی، آن‌گاه برای حصول سیاستمدار به هدف خویش، تمسک به هر وسیله را تجویز کرد و این زخم را عمیق‌تر ساخت» (جعفری، ۱۳۷۵).

۲-۳. زمینه‌های فرهنگی

با توجه به شواهد و آثار به‌جای‌مانده از محققان اجتماعی، شاید بتوان کلیسا و عملکرد آن را یکی از زمینه‌های فرهنگی اصلی پیدایش سکولاریسم به حساب آورد. شهید مطهری در زمینه عملکرد کلیسا بر این باور است که کلیسا چه از نظر مفاهیم نارسایی که در الهیات عرضه داشت و چه از نظر رفتار غیر انسانی‌اش با توده مردم، خصوصاً طبقه دانشمندان و آزادفکران، از علل عمده گرایش جهان مسیحی (به‌طور غیر مستقیم جهان غیر مسیحی) به مادی‌گری است (مطهری، ۱۳۶۸، ص ۶۵).

زمینه‌های فرهنگی، یکی از مؤلفه‌های مهم و تأثیرگذاری است که محقق نباید از آن غافل باشد؛ چون شناخت این زمینه‌ها، از یک سو می‌تواند برای رفع چالش مورد نظر و جلوگیری از پیامدهای آن مفید باشد و از دیگر سو، مانع ظهور و بروز چالش‌های مشابه باشد.

۳. عاملان و کارگزاران چالش سکولاریسم

مؤلفه مهم دیگری که به اندازه زمینه‌ها و حتی از جهتی تأثیرگذارتر نیز می‌باشد، عوامل و یا کارگزاران چالش‌هاست. تفاوت عوامل و کارگزاران با زمینه‌ها در این است که اراده و اختیار عوامل در ایجاد و ترویج چالش‌ها نقش مهمی داشته و به‌نوعی، عاملان می‌توانند با به‌کارگیری اراده خود، بحران‌های ناشی از چالش‌ها را عمیق‌تر و دامنه آن را

گسترده نمایند. از این جهت، توجه به این مؤلفه از اهمیت زیادی برخوردار بوده و عالمان و حاکمان جوامع باید در این بعد از ابعاد چالش‌ها هوشمندانه عمل کنند تا خود و جامعه خویش را از درگیر شدن با چالش‌ها نجات دهند. در ادامه، برخی از عواملی که در شکل‌گیری سکولاریسم در ایران نقش داشتند را مرور می‌کنیم.

۳-۱. روشنفکران وابسته

مطابق اسناد و شواهد تاریخی، نقطه آغاز ورود ایده سکولاریسم در جهان اسلام، درگیری نظامی و اشغال کشورهای اسلامی توسط غرب است. اما با توجه به ویژگی‌های ایدئولوژیک جوامع اسلامی، طریق دومی هم در ورود سکولاریسم به جوامع اسلامی وجود داشته است که آن نیز، برخورد روشنفکران و متفکران جهان اسلام با غرب و اندیشه‌های جدید غرب بوده است. وقتی روشنفکران ما در سده گذشته با غرب روبه‌رو شدند، به‌طور عمده دو نوع عکس‌العمل از خود نشان دادند: بعضی می‌گفتند برای خروج از وضعیت فعلی باید از سر تا پا غربی شویم و نظام سکولار را به داخل کشور خود بیاوریم؛ برخی نیز به جای سکولاریسم غربی، نظام‌های سوسیالیستی را برگزیدند. البته فکر سومی هم بود که بر این باور بودند راه انبیای الهی با علم و فناوری قابل پیمودن است و غربی‌ها هم توانستند جوهر آموزه‌های انبیا را از طریق علم به دست آورند. البته این تفکر نه اسلامی بود و نه سکولار. با توجه به عدم توانایی حل تناقضات نظری، نمونه بارز آن سازمان مجاهدین خلق بود که سرانجام، اندیشه سوسیالیستی را چراغ راه خود قرار داده و به‌طور کامل مارکسیست شدند (ن.ک: لاریجانی، ۱۳۷۵).

یکی از عوامل مؤثر در پیدایی ایده سکولار در جوامع اسلامی و ایران، روشنفکران وابسته بودند. بر وابسته بودن تأکید داریم؛ چون بر اساس واقعیات عینی، روشنفکران چند دسته‌اند:

الف. روشنفکرانی که معضلات اجتماعی را شناخته و راه‌حل مناسب برای رفع آن ارائه می‌کنند.

ب. روشنفکرانی که کاستی‌ها را به‌خوبی شناخته‌اند، اما در ارائه راه‌حل به خطا رفته‌اند.

ج. روشنفکرانی که دریافتی اجمالی از کاستی‌ها دارند، اما مدعی‌اند علت همه معضلات را شناخته و راه‌حل‌های غلط ارائه می‌دهند و گاه نیز با آگاهی، راه‌حل‌های انحرافی پیشنهاد می‌کنند.

مراد از روشنفکران وابسته در این نوشتار، همین دسته سوم است که به اعتقاد نویسنده کتاب جامعه‌شناسی غرب‌گرایی، دارای ویژگی‌های ذیل هستند:

- تقلید کورکورانه و بی‌حدومرز از غرب؛
- ستایش پیشرفت‌های غرب در زمینه‌های مادی و معنوی؛
- اعتقاد به تقلید راه و روش غرب در همه زمینه‌ها؛
- تلاش در جهت تطبیق نظام فرهنگی و اجتماعی ملل اسلامی بر نظام فرهنگی و اجتماعی غرب؛

- مخالفت شدید با مذهب و سنن ملی و ناخشنودی از چیرگی عقاید مذهبی (مددپور، ۱۳۷۹، ج ۶، ص ۱۳۸).^۱

روشن‌فکرانی چون میرزا ملکم خان ناظم‌الدوله که ادعا داشتند درد و درمان کشور ایران را شناخته‌اند، درحقیقت، غصه‌ای جز نام و نان خود نداشتند. جالب اینکه خود نیز در پاسخ به اعتراض ناصرالدین شاه، به این واقعیت اعتراف کرده است (مددپور، ۱۳۷۹، ج ۶، ص ۱۳۸).

آخوندزاده یکی دیگر از روشن‌فکران وابسته‌ای بود که باید او را از عوامل و کارگزاران سکولاریسم در ایران به شمار آورد. وی که خود درس آموخته حوزه دین و از شاگردان آخوند ملا حسین، از دوستان آخوند ملا علی‌اصغر بود، در مرام و مسلک همانند ملکم خان بود؛ با این تفاوت که منتقد سرسخت فرهنگ اسلامی بود. عبدالهادی حائری درباره او می‌نویسد: «آخوندزاده یک سکولاریست به‌معنای غربی آن روز اروپا

۱. نقوی، علی محمد. (۱۳۶۳). جامعه‌شناسی غرب‌گرایی (ج ۱، ص ۱۲۵). تهران: امیرکبیر.

و پشتیبان گسترش تمدن و اصول پارلمانی غربی در ایران بوده است» (حایری، ۱۳۶۰، ص ۲۹). این روشن فکر وابسته که به تابعیت روس درآمده و از افسران روسیه شده بود، زندگی در غرب او را به جایی رساند که حتی علاقه‌مندی‌اش به وطن و دین را از دست داده و متعصبانه ستایشگر غرب شده و برای هموطنان مسلمان خود این گونه نسخه می‌پیچد که: «ای اهل ایران؛ گر تو را از نشانه آزادیت و حقوق انسانیت خبر می‌بودی، به این گونه عبودیت، به این گونه رذالت متحمل نمی‌گشتی؛ طالب علم شده و فراموش‌خانه‌ها می‌گشادید؛ مجمع‌ها بنا می‌نمودید و خود را از قیود و عقاید پوچ و از ظلم و دیسپت نجات می‌دادی» (مددپور، ۱۳۷۹، ج ۳، ص ۱۷۱).

۳-۲. انجمن‌های سری

از جمله عوامل و کارگزارانی که در شکل‌گیری و حاکمیت سکولاریسم در ایران نقش قابل ملاحظه‌ای داشتند، انجمن‌های سری بودند که تا پیش از قانونی شدن انجمن‌های سیاسی، به‌طور تقریبی دو‌یست انجمن گوناگون در تهران و شهرستان‌ها فعالیت داشتند؛ اما پس از تشکیل مجلس اول، طبق اصل ۲۱ قانون اساسی، تشکیل آن‌ها قانونی اعلام شد (ورهرام، ۱۳۶۶، ص ۳۹۰). این انجمن‌ها را با توجه به روش و فعالیت‌هایشان به سه دسته تقسیم کرده‌اند: دسته نخست، انجمن‌های ارتجاعی که جناح سنت‌گرا و طرفداران نظام کهن سیاسی در آن جای داشتند؛ دسته دوم، انجمن‌های معتدل که بیشتر تاجران، عالمان و مالکان پیشرو در آن بودند؛ و بالأخره دسته سوم، انجمن‌های تندرو که اعضای آن‌ها بعدها به‌صورت دموکرات در مجلس دوم حضور یافتند (اتحادیه، ۱۳۶۱، ص ۱۴۹). این دسته سوم که افرادی چون ناظم‌الاسلام کرمانی، یحیی دولت‌آبادی و تقی‌زاده‌ها در آن حضور داشتند و متأسفانه برخی از آن‌ها در کسوت روحانیت بودند و بعدها از این کسوت جدا شدند، نقش اساسی در شکل‌گیری سکولاریسم در ایران داشتند.

انجمن‌های سری که بعدها با مصوبه مجلس مشروطه جنبه قانونی پیدا کرده بودند، با تأسی از روشن‌فکران وابسته، نقش قابل توجهی در شکل‌گیری سکولاریسم داشتند.

آن‌ها در این راه، نه تنها ساختار حکومتی را به سمت سکولاریزه کردن پیش بردند، بلکه به کمک عمامه‌به‌سرهایی چون واعظ اصفهانی، از روی منبری که نماد دین در میان عموم است، توده مردم را به سمت تفکر غربی و اندیشه‌های سکولاریستی سوق داده و علم فقه رایج در جامعه اسلامی را علم حرام‌زادگی تلقی نموده و علم غربی را دوی درد مردم دانسته و به ترویج آن می‌پرداختند.

۳-۳. علم و فناوری مدرن

یکی از عوامل مؤثر در شکل‌گیری سکولاریسم حتی در مغرب‌زمین، فناوری به‌ویژه فناوری مدرن بوده است. البته به اعتقاد برخی، این امر به‌عنوان یکی از رهاوردهای فناوری است؛ زیرا تحول فرهنگی، درون تکنیک و فناوری قرار داشته و هیچ‌گاه از آن جدا نمی‌شود. اما به اعتقاد رابرت مک‌گین، اساساً فناوری به‌مثابه رفتاری فرهنگی است، نه اینکه رهاورد آن باشد (مربجی، ۱۳۹۷، ص ۸۵). بی‌تردید، فناوری به هر معنایی که باشد، یکی از عوامل شکل‌گیری سکولاریسم در ایران بوده است. نقطه آغازین ورود فناوری غربی به ایران نیز به شکست نظامی ایران از روسیه برمی‌گردد که پس از یک سلسله جنگ‌های ویران‌کننده، سرانجام به انعقاد قرار دادهای ننگینی نظیر ترکمانچای انجامید. در این زمان بود که دربار ایران در صدد برآمد برخی شیوه‌های غربیان را در محدوده امور نظامی و نظام اداری و آموزشی وارد کند. این روند در زمان امیرکبیر تحت عنوان اصلاحات به اوج خود رسید (نقوی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۸۷).

البته به دلیل تنگدستی دولت و دربار ایران، فترتی در این امر ایجاد شد؛ اما در ادامه جنبش مشروطه، سیر تحولات در ایران آن‌چنان گذشت که با تأسیس کارخانه‌ها و تولید ابزارهای جدید، جامعه شهری ایران به مرحله‌ای کاملاً جدید رسید و با ورود تکنیک مدرن، نیازهای جدیدی در ایران پدید آمد. گردش کارخانه‌ها به نیروی متخصص نیاز داشت؛ به همین منظور، جوانانی را به خارج فرستادیم و در داخل نیز دانشگاه تأسیس شد. قشر تازه‌ای از جوانان دست‌پرورده علم جدید، در چارچوب فضای تربیتی جدید و کاملاً متضاد با روش‌ها و اندیشه‌های تربیتی سنتی پدیدار شدند. به

این شکل، تحولات اجتماعی جدید که واکنش پیدایش عوامل نو در ایران بودند، نمی‌توانستند فضای فرهنگی پیشین ما را دست‌نخورده رها کنند؛ زیرا ورود علم و فناوری جدید، پیدایش دانشگاه و سازماندهی علوم تربیتی و آموزشی جدید، معادلات جدیدی را وارد رابطه ما با گذشتگان کرد (ن.ک: هودشتیان، ۱۳۷۵).

در فرایند تأثیرگذاری علم و فناوری مدرن برای شکل‌گیری سکولاریسم در ایران، روشنفکران وابسته که مرعوب علم و فناوری غرب بودند، نقش مهمی داشتند. آن‌ها با تکیه بر پیشرفت‌های فناورانه غرب، سخن از ناکارآمدی دین بر زبان جاری کرده و کوشیدند راه ورود ایده غربی جدایی دین از سیاست را در ایران هموار کنند. آنان تنها راه نجات جامعه را، علم و اندیشه غرب دانسته و علم دین را همانند برخی منورالفکران امروزیین جامعه اسلامی، علمی ناتوان تلقی کردند و مدیریت و پیشرفت جامعه را تنها در گرو علم و فناوری مدرن می‌دانستند.

۴. عکس‌العمل‌ها در برابر چالش سکولاریسم

محقق دانش اجتماعی در مطالعه روشمند چالش‌های نظری، باید ببیند که جامعه در برابر چالش‌های نظری، چه واکنش و عکس‌العمل‌هایی را از خود بروز داده است. این عکس‌العمل‌ها باید در دو بعد کمی و کیفی مورد بررسی قرار گیرد. منظور از بعد کمی این است که چه گروه یا قشری در برابر چالش، عکس‌العمل نشان داده‌اند. به لحاظ کیفی نیز مراد این است که نوع واکنش چگونه بوده است؟ آیا منفعل بوده یا فعال و یا خنثی؟ جهت واکنش فعال، مثبت بوده است یا منفی؟

از نظر کمی نیز در مواجهه با چالش، چند گروه متصور است: گروه نخست، نخبگان هستند که این نخبگان نیز می‌توانند دارای انواعی باشند: نخبگان علمی؛ نخبگان سیاسی؛ نخبگان فرهنگی؛ نخبگان هنری؛ نخبگان اقتصادی و...؛ گروه دوم، توده مردم هستند؛ به تعبیری، همان اکثریتی که قاعده هرم جوامع را تشکیل می‌دهند؛ و بالأخره گروه سوم، همان طبقه متوسطی که در وقایع اجتماعی می‌توانند واکنش منحصر به خود را داشته باشند و نادیده گرفتن آنان در بیشتر مواقع می‌تواند موجبات اختلال در

فرایند تحلیل عالمان و حاکمان جامعه را فراهم نماید.

روشن است که هر کدام از آن گروه سه گانه نیز می‌توانند در مقابل چالش، واکنش متفاوتی داشته باشند: فعال، منفعل و یا خنثی؛ به‌عنوان مثال، در آن هنگام که جامعه ایران با چالش ایده سکولاریستی مواجه شد، اسناد گواهی می‌دهد که غالب نخبگان سیاسی، ابتدا در مقابل آن ایده غربی، به‌صورت منفعل مرعوب شده و سپس از جهتی نیز فعال شدند! یعنی به‌جای مقابله با آن، خود نقش مدافع داشتند، بلکه به ترویج و تبیین آن پرداختند.

اما نخبگان علمی در مواجهه با ایده غربی، دو دسته، بلکه سه دسته شدند؛ چون علمای دینی و یا بهتر بگوییم عالمان حوزوی، خود دو دسته شدند؛ برخی همچون تقی‌زاده و دولت‌آبادی‌ها که یک روز رخت و لباس روحانیت بر تن داشتند، در مقابل ایده سکولاریسم منفعل بوده و افرادی مثل واعظ اصفهانی بر منبر وعظ دینی، ایده سکولاریستی را ترویج می‌کردند؛ در مقابل، علمایی چون شهید شیخ فضل‌الله نوری در مقابل ایده سکولار قد علم کرده و در این راه مردانه، تا بالای دار نامردمی، سربدار شده و ایستادگی کردند.

البته دسته سومی هم در میان عالمان بودند که در برابر هجمه ایده سکولار و سکولاریست‌های متعصب، نه‌تنها واکنش فعالی نداشته، بلکه متأسفانه خنثی عمل کردند. این رفتار آن‌ها درحقیقت، خسارت‌های مادی و معنوی فراوانی را در جامعه علمی و عملی ایران به همراه داشت؛ به‌دار کشیده‌شدن مجتهد اول تهران در میدان توپخانه این شهر، یکی از آن خسارت‌های جبران‌ناشدنی بود. صد البته این خسارت به همین جا ختم نشد، بلکه یکی دیگر از بزرگان جامعه را در خانه با شش گلوله عموآغلی ششلول‌بند ساکت نموده و آن سید دیگر را به تبعید فرستادند!

توده مردم نیز در برابر این ایده، منفعل عمل کرده و به‌نوعی سربازی سکولارهایی را کردند که به پشتیبانی همراهی آن‌ها و سکوت گروه متوسط جامعه چنان کردند که بیش از یک سده، ایران مقتدر محل تاخت و تاز اجانبی چون انگلیس و آمریکا شده بود. سرانجام به برکت قیام مردم به رهبری امام خمینی علیه‌السلام، یک‌بار دیگر ایران بزرگ توانست

قدرت اسلامی خود را به رخ ایده سکولاریستی غرب و غرب‌باوران بکشد و دنیای آزاد را متوجه توانمندی ارزش‌های وحیانی نماید؛ به طوری که به برکت آن هشت سال دفاع مقدس، در مقابل دنیای کفر مردانه مقاومت نموده و شجاعانه از کیان خود محافظت کند.

لازم به ذکر است هر کدام از سه گروه مذکور با مصادیق متعددشان از نظر کیفی واکنش منحصر به خود را داشتند که برای پیش‌گیری از اطاله سخن از آن صرف نظر می‌کنیم.

۵. پیامدهای چالش سکولاریسم

یکی دیگر از مؤلفه‌هایی که در فرایند مطالعه چالش‌های نظری باید مطمع نظر محقق اجتماعی قرار گیرد، رصد پیامدهایی است که آن چالش با خود به همراه داشته است. این پیامدها می‌تواند در یک و یا چند حوزه آشکار شود. اهمیت این مؤلفه در این است که اگر این پیامدها توسط محققان اجتماعی به خوبی رصد نشود و حاکمان اجتماعی از آن غافل باشند، می‌تواند منشأ بسیاری از بحران‌های فرهنگی و اجتماعی در جامعه شود؛ به گونه‌ای که رفع آن نیازمند تلاش زیادی خواهد بود. بی‌توجهی به این پیامدها ممکن است جامعه هدف را به درد سر فراوان بیندازد؛ به طوری که تا سال‌ها رسوبات آن از ساحت اجتماع علمی و عملی جامعه برطرف نشود. سکولاریسم در ایران، پیامدهایی را در حوزه‌های متعدد به همراه داشته است:

۱-۵. در حوزه تقنین

نهیض مشروطه ایران، حرکتی مردمی بود که به رهبری عالمان دین و با هدف سرنگونی استبداد و اجرای احکام شریعت و عدالت‌خواهی آغاز شد. اما پس از پیروزی مردم و تسلیم دربار مظفری و تن‌دادن به خواسته‌های عالمان و مردم و برپایی مجلس شورای ملی، نوبت به تدوین قانون اساسی رسید. اینجا بود که منورالفکران سکولار، منویات خود را ظاهر کرده و با متدینان به مقابله پرداختند؛ زیرا مذهب‌ها هوادار احکام

آسمانی بودند، اما منورالفکرانی که خود مروج جدایی دین از سیاست بودند، این تفکر را نپذیرفته بودند (انصاری، ۱۳۶۹، ص ۱۱۳).

سرانجام، این اختلاف با کامیابی جناح مقابل مذهبی‌ها پایان پذیرفت و پیش‌نویس قانون به‌وسیله حسن پیرنیا و برادرش حسین پیرنیا، ملقب به مؤتمن‌الملک، فرزندان میرزا نصرالله خان نایینی و همیاری سعدالدوله در ۵۱ ماده نوشته شد. سعدالدوله برای کمک به تدوین قانون اساسی مشروطه، چند کتاب قانون از پارلمان انگلیس و یک نسخه از قانون اساسی بلژیک را از منشی سفارت بلژیک به دست آورد و در اختیار هیئت مزبور قرار داد و آن‌ها مشغول تدوین قانون شدند (محیط مافی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۱۶۱).

۵-۲. در حوزه سیاسی

بعد از تدوین قانون سکولاریستی در مجلس، حالا باید ساختار سیاسی‌ای بر جامعه حاکم باشد که بتواند قوانین سکولار را اجرا کند. منورالفکران دیروز که امروز بر کرسی مجلس تکیه زده‌اند، دست به کار شده و قزاقی بی‌سواد را بر منصب حاکمیت نشانند تا به سرعت، تفکر سکولار را بر همه حوزه‌های اجتماعی حاکم کنند. نویسنده کتاب جامعه‌شناسی غرب‌گرایی در این باره می‌نویسد:

رضا شاه، ابتدا به‌صورت قزاق وارد عرصه نظامی شد و در آنجا تا سپهسالاری پیش رفت و بالأخره در دسامبر ۱۹۲۵ میلادی (آذر ۱۳۰۴ هجری شمسی) به‌وسیله پارلمان مشروطه به‌عنوان شاه انتخاب گردید. وی به کمک قدرت‌های غربی به‌ویژه انگلیس روی کار آمد، کلیه مساعی خویش را برای تسلط غرب‌زدگی و نفوذ استعمارگران بیگانه به کار بست و در این راه، منورالفکرانی چون فروغی و تقی‌زاده به کمک او آمدند؛ تا حدی که تقی‌زاده را مغز متفکر رژیم به حساب می‌آورند. این روشنفکر وابسته‌ای که در جهت اسلام‌زدایی و تقلید از غرب و اندیشه غربی، از هیچ کوششی دریغ نورزید و معتقد بود که برای پیشرفت و ترقی باید از سر تا پا غربی شد و با افتخار اعلان می‌کرد که «من اولین نارنجک تسلیم در برابر غرب را چهل سال بی‌پروا انداختم» (نقوی، ۱۳۶۳، ج ۲، صص ۸۳-۸۴).

۳-۵. در حوزه قضا

یکی دیگر از پیامدهای سکولاریسم در ایران، تغییر در حوزه قضا بود. در حقیقت، تغییر ساختار قضایی، بخش مهمی از روند جدایی دین از سیاست شمرده می‌شد. البته اهداف دیگری نیز دنبال می‌شد که از جمله آن‌ها، تضعیف روحانیان بود. از این رو، تغییر و تحولات قضایی در دوره رضا شاه، در ردیف نخستین و مهم‌ترین اقدام‌های حکومتی به شمار می‌آید (بصیرت‌منش، ۱۳۷۶، ص ۵۳). در تغییر و تحولات قضایی این دوره، علی‌اکبر داور، نقش اساسی را بر عهده داشت. وی که در ۲۶ بهمن ۱۳۰۵ شمسی به وزارت برگزیده شد، عدلیه را منحل کرد و اختیاراتی برای اصلاح احکام عدلیه و تغییر و تبدیل قاضیان و کلیه اعضا، از مجلس گرفت (صدر، ۱۳۶۴، ص ۲۸۸).

عدلیه جدید یا به تعبیر خود داور، «عدلیه دنیاپسند» (کسروی، ۱۳۵۵، ص ۲۵۶) در اردیبهشت ۱۳۰۶ شمسی با حضور شاه افتتاح و محاکم جنایی اختصاصی منحل شد. محاکم جنایی اختصاصی، دادگاهی شرعی برای رسیدگی به جرایمی بود که به حد، تعزیر یا قصاص منحصر می‌شد. با انحلال این محاکم، راه برای اجرای قانون مجازات عمومی که در آغاز سلطنت پهلوی در ۲۳ دی ۱۳۰۴ به تصویب رسیده بود، باز شد (متین‌دفتری، ۱۳۷۰، ص ۵۸). از این تاریخ، سلطه احکام شرعی از بین رفت. با از بین بردن سلطه قوانین شرعی، داور، وزیر عدلیه رضا شاه، حقوق‌دانان دارای تحصیلات اروپایی را به جای روحانیون گمارد. به اصطلاح، عدلیه را از صورت آخوندی بیرون آورد و متجددین را (نه البته بر حسب لیاقت و مدرک علمی، بلکه صرفاً به جهت ظاهر سازی) به جای آنان قرار داد (صدر، ۱۳۶۴، ص ۲۸۸).

۴-۵. در حوزه آموزش

بی‌تردید، حوزه آموزش از نظر تأثیرگذاری، از مهم‌ترین حوزه‌های اجتماعی است که با هر گونه تغییر در آن، حوزه‌های دیگر در امان نخواهند بود. جالب اینکه بروز و ظهور ایده سکولاریسم حتی در خاستگاه خود، یعنی جهان غرب نیز حوزه دانش را تحت الشعاع خود قرار داده و موجب تقلیل‌گرایی در حوزه دانش شد؛ چه اینکه پس از

حاکمیت سکولاریسم در مغرب‌زمین، تنها علمی دانش به حساب می‌آید که از طریق مشاهده و از آزمایشگاه‌ها بیرون آمده باشد! مطابق با ایده سکولاریسم، علوم را درجه‌بندی کردند! برای بررسی پیامد سکولاریسم در حوزه آموزش ایران، کافی است اشاره کوتاهی به اقدامات پهلوی اول داشته باشیم.

رضاخان با ایجاد فرهنگستان، در پی زدودن فرهنگ اسلامی برآمد. وی در این راه با ایجاد نظام آموزشی جدید که به گفته آل‌پی الول، ساتن، تقلید بدون تصرف، سریع و بی‌چون‌وچرا از شیوه‌های غربی بود، در جهت ایجاد حس قوی ملی‌گرایی، باستان‌ستایی، دولت‌مداری، اقتدارگرایی و ... که از مشخصات سیستم جدید آموزشی این دوره بود، تلاش کرد (ساتن. آل‌پی، ۱۳۳۵، ص ۴۴۶). او تعلیمات دینی را از نظام آموزشی کشور حذف و به جای آن، نظام آموزشی سکولار را جایگزین کرد که در این نظام، دیگر جایی برای حجاب دختران و کادر آموزشی زن و عدم اختلاط دختر و پسر در مدرسه نماند. محمدرضا پهلوی در کتاب مأموریت برای وطن درباره این تغییر می‌نویسد: علاوه بر مدارس جدید، محتوای کتب تحصیلی مطابق سیاست‌های رژیم تغییر یافت که ملی‌گرایی، شاه‌پرستی و تجددگرایی، محورهای اصلی و اساسی آن بود (پهلوی، ۱۳۴۸، ص ۴۸۸). این ویژگی‌ها درحقیقت، از مبانی معرفتی سکولاریسم بود که پیش از این به آن اشاره شد.

۶. پیش‌بینی آینده چالش سکولاریسم

آنچه تا به حال درباره مطالعه چالش‌های نظری گفته شد، بررسی چالش‌ها به شیوه ایستایی‌شناسانه بود. به اعتقاد آگست کنت، از طریق این شیوه، نظم اساسی هر جامعه هویدا می‌شود؛ چون محقق با این روش می‌تواند پدیده‌های اجتماعی و علل نظم اجتماعی و ثبات آن در جامعه را به‌عنوان یک کل، در یک زمان مشخص مورد بررسی قرار دهد (آرون، ۱۳۷۲، ص ۱۱۰)؛ همان‌طور که ما ایده سکولاریسم را به‌عنوان یک پدیده اجتماعی در ایران عصر مشروطه بررسی کردیم. اما برای اینکه فرایند مطالعه چالش نظری و یا هر پدیده اجتماعی دقیق‌تر صورت گیرد تا نتیجه مطلوب و نزدیک به واقع به

دست آید، نباید از مطالعه پویایی شناختی پدیده نیز غافل شد؛ چون در مطالعه پویایی شناختی، یک پدیده در مراحل متوالی مطمع نظر قرار گرفته تا فرازونشیب‌های آن در گذشته شناخته شود، سپس با استفاده از داده‌های به‌دست آمده، آینده آن پیش‌بینی می‌شود (آرون، ۱۳۷۲، ص ۱۱۱).

محقق اجتماعی برای این که بتواند آینده چالش مورد بررسی خود را به‌درستی پیش‌بینی کند، علاوه بر شناخت اضلاع و ابعاد متعدد آن در زمان حال، باید گذشته آن را نیز به‌خوبی رصد کند و تطورات تاریخی آن را مطمع نظر قرار دهد تا علاوه بر تبیین درست آن در زمان حال، بتواند مسیر آینده آن را پیش‌بینی کند؛ در این صورت، می‌تواند راهکاری مناسب جهت مواجهه و رفع آن، در اختیار حاکمان و حکیمان جامعه خود قرار دهد.

در زمینه چالش سکولاریسم در ایران نیز نباید آینده آن را از نظر دور داشته باشیم؛ چه اینکه چالش اساساً با برنامه‌ریزی دقیقی صورت گرفته تا تحولات مورد نظر خود را به جامعه هدف تحمیل کند. بنابراین محقق اجتماعی باید گذشته مفهومی و ساختاری آن را رصد کند تا بتواند نخست، مسیر تطور آن را از ابتدای شکل‌گیری درک و سپس مسیر آینده‌اش را در حوزه‌هایی که اثرگذار بوده، پیش‌بینی کند؛ مثل اینکه ایده سکولاریستی چگونه در حوزه تقنین وارد شده و با تحت تأثیر قرار دادن آن، ساختار متناسب با خود را پدید آورده است؟ این ساختار نیز به‌دنبال خود چه پیامدهایی را در حال حاضر به همراه داشته و در آینده چه مسیری را طی می‌کند و چگونه جامعه علمی و عملی ما را دچار تغییر و تحول خواهد کرد؟

۷. ارائه راهکار مقابله با چالش سکولاریسم

بی‌تردید، شناخت ابعاد و جوانب چالش‌های اجتماعی توسط اندیشمندان، خود امری مهم و ضروری است. اما این حلقه زمانی کامل خواهد شد که جامعه بتواند از آن چالش خلاصی پیدا کند و این، تنها در صورتی اتفاق خواهد افتاد که اندیشمندان پس از شناسایی ابعاد مسئله، راهکار مناسب را نیز در اختیار حاکمان اجتماعی قرار دهند تا آنان با بهره‌گیری از آن، زندگی جمعی را سامان دهند.

پرواضح است که ارائه راهکارها توسط محقق، به‌تنهایی نمی‌تواند موجب رفع یا دفع معضل اجتماعی شود، اما ارائه راهکارهای علمی و عملی مناسب و مطابق با واقع، می‌تواند راه سیاست‌گذاری سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزی برنامه‌ریزان را جهت حل معضل اجتماعی هموار کند. همچنین حاکمان و دست‌اندرکاران امور مردم و جامعه، با تکیه بر سیاست‌های ترسیم‌شده و برنامه‌های تدوین‌شده، می‌توانند در حل مشکلات اجتماعی موفق‌تر عمل کنند. البته ممکن است چالش واردشده، تأثیرگذاری عمیقی داشته و به تعبیر عامیانه، کار از کار گذشته باشد! در این صورت نیز محقق نباید رسالت خویش را نادیده بگیرد؛ چون در چنین فرضی هم می‌تواند با ارائه راهکار مناسب، سرعت تأثیرگذاری آن را کند و یا از ورود آن به حوزه‌های دیگر پیشگیری کند؛ به علاوه با ارائه تحقیقات خود به جامعه علمی و عملی، مانع از ورود چالش‌های دیگر شود.

نتیجه‌گیری

چنانچه ملاحظه شد، نوشتار حاضر را با این پرسش آغاز کردیم که یک محقق و یا دانش‌پژوه دانش اجتماعی، در فرایند مطالعه چالش‌های نظری برای شناخت ابعاد آن، چه مؤلفه‌هایی را باید مطمع نظر قرار دهد تا بتواند آگاهی کافی جهت شناخت و بالتبع، مواجهه مناسب با آن چالش را پیدا کند و مطابق رسالت عملی خود، نتیجه تحقیقات خود را در اختیار حاکمان و حکیمان جامعه قرار دهد؟

برای پاسخ به این سؤال، مؤلفه‌هایی چون مبانی، زمینه‌ها، عوامل و کارگزاران، واکنش‌ها و عکس‌العمل‌ها، پیامدها، آینده چالش و بالأخره، راهکارهای مواجهه با چالش را در این تحقیق مورد توجه قرار دادیم؛ زیرا بر این باور هستیم که چالش به‌عنوان یک پدیده اجتماعی، باید شیوه مطالعه متناسب با خود را داشته باشد. برای شناخت ابعاد یک چالش نظری، پرداختن به مؤلفه‌های مذکور بسیار مؤثر و کارگشا خواهد بود؛ به این دلیل که پدیده اجتماعی، از آن حیث که اجتماعی است، تک‌بعدی نبوده و نباید تنها به یک بعد آن اکتفا شود.

در این تحقیق تلاش شد تا نشان داده شود سکولاریسم به عنوان یک چالش نظری، در ایران با کدام مبانی، در چه زمینه‌هایی، توسط کدام عوامل و کارگزاران، در کدام حوزه‌ها و با چه پیامدهایی رخ نمایانده و عکس‌العمل‌ها در مواجهه با آن چگونه بوده است. در پایان نیز محقق موظف است با توجه به داده‌ها و اطلاعات به دست آمده، راهکارهای مواجهه با آن را در اختیار حاکمان و حکیمان قرار دهد.

فهرست منابع

۱. آرون، ریمون. (۱۳۷۲). مراحل اساسی اندیشه در جامعه‌شناسی (مترجم: باقر پرهام). تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۲. اتحادیه، منصوره. (۱۳۶۱). پیدایش و تحول احزاب سیاسی مشروطه ایران. تهران: انتشارات گستره.
۳. انصاری، مهدی. (۱۳۶۹). شیخ فضل‌الله و مشروطیت. تهران: انتشارات امیرکبیر.
۴. بصیرت‌منش، حمید. (۱۳۷۶). علما و رژیم رضا شاه. تهران: مؤسسه چاپ و نشر عروج.
۵. بیرو، آلن. (۱۳۵۷). فرهنگ علوم اجتماعی (مترجم: باقر ساروخانی). تهران: انتشارات کیهان.
۶. پهلوی، محمدرضا. (۱۳۴۸). مأموریت برای وطن. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۷. جعفری، محمدتقی. (۱۳۷۵). تحلیل و بررسی سکولاریسم. قیسات، (۱)، ص ۷۵.
۸. حایری، عبدالهادی. (۱۳۶۰). تشیع و مشروعیت در ایران. تهران: انتشارات امیرکبیر.
۹. ذوعلم، علی. (۱۳۸۴). تأملی در مفهوم چالش در ادبیات اجتماعی فرهنگی ایران. ماهنامه اندیشه و تاریخ سیاسی ایران معاصر، ۴(۳۶)، صص ۳۴-۳۷.
۱۰. ساتن، آل‌پی. الول. (۱۳۳۵). رضا شاه کبیر یا ایران نو (مترجم: عبدالعظیم صبوری). تهران.
۱۱. ساروخانی، باقر. (۱۳۷۰). درآمدی بر دائرةالمعارف علوم اجتماعی. تهران: مؤسسه کیهان.
۱۲. شجاعی‌زند، علیرضا. (۱۳۷۶). سکولاریسم گوهر مکشوف غرب. کیهان فرهنگی، (۱۳۷)، صص ۲۶-۲۹.
۱۳. صدر، محسن. (۱۳۶۴). خاطرات صدرالاشرف. تهران: انتشارات وحید.
۱۴. کسروی، احمد. (۱۳۵۵). زندگانی من یا ده سال در عدلیه. تهران: نشر و پخش کتاب.
۱۵. گلدمن، لوسین. (۱۳۷۵). فلسفه روشن‌فکری (مترجم: شیوا کاویانی). تهران: انتشارات فکر روز.

۱۶. لاریجانی، محمدجواد. (۱۳۷۵). تفکر سکولار، تفکر این جهانی است. مجله فرهنگ، ۶(۲۱)، صص ۳۸-۴۳.
۱۷. متین دفتری، احمد. (۱۳۷۰). خاطرات یک نخست وزیر. تهران: انتشارات علمی.
۱۸. محیط مافی، هاشم. (۱۳۶۳). مقدمات مشروطیت (ج ۱). تهران: انتشارات فردوسی.
۱۹. مددپور، محمد. (۱۳۷۹). سیر تفکر در ایران معاصر (ج ۳ و ۶). تهران: مؤسسه فرهنگی منادی تربیت.
۲۰. مریجی، شمس الله. (۱۳۸۲). سکولاریسم و عوامل اجتماعی شکل گیری آن در ایران. قم: انتشارات مؤسسه امام خمینی علیه السلام.
۲۱. مریجی، شمس الله. (۱۳۹۷). جامعه شناسی علم و تکنولوژی. قم: نشر معارف.
۲۲. مطهری، مرتضی. (۱۳۶۸). علل گرایش به مادیگری (چاپ پانزدهم). انتشارات صدرا.
۲۳. نقوی، علی محمد. (۱۳۶۳). جامعه شناسی غرب گرایی (ج ۱ و ۲)، تهران: امیرکبیر.
۲۴. ورهرام، غلامرضا. (۱۳۶۶). نظام سیاسی و سازمان های اجتماعی دوره قاجار. تهران: انتشارات فرهنگ.
۲۵. هودشتیان، عطا. (۱۳۷۵). ایرانیان و اندیشه تجدد. ماهنامه نگاه نو، ۳(۳۱).

References

1. Aaron, R. (1372 AP). *Basic stages of thought in sociology*. (Parham, B, Trans.). Tehran: Scientific and cultural publications. [In Persian]
2. Ansari, M. (1369 AP). *Sheikh Fazlullah and constitutionalism*. Tehran: Amirkabir Publications. [In Persian]
3. Basirat Manesh, H. (1376 AP). *Scholars and the regime of Reza Shah*. Tehran: Orouj Publishing Institute. [In Persian]
4. Birou, A. (1357 AP). *Dictionary of Social Sciences*. (Sarukhani, B, Trans.). Tehran: Keyhan Publications. [In Persian]
5. Etehadieh, M. (1361 AP). *The emergence and evolution of constitutional political parties in Iran*. Tehran: Gostareh Publications. [In Persian]
6. Goldman, L. (1375 AP). *Intellectual Philosophy*. (Kaviani, Sh, Trans.). Tehran: Fekre Rooz Publications. [In Persian]
7. Ha'eri, A. (1360 AP). *Shiism and legitimacy in Iran*. Tehran: Amirkabir Publications. [In Persian]
8. Hudashtian, A. (1375 AP). *Iranians and the Thought of Modernity*. *New Look Monthly*, 3(31). [In Persian]
9. Jafari, M. T. (1375 AP). *Analysis and study of secularism*. *Qabasat*, (1), p. 75. [In Persian]
10. Kasravi, A. (1355 AP). *My life or ten years in the judiciary*. Tehran: Publishing and distributing books. [In Persian]
11. Larijani, M. J. (1375 AP). *Secular thinking is the thinking of this world*. *Journal of Culture*, 6(21), pp. 38-43. [In Persian]
12. Madadpour, M. (1379 AP). *The course of thought in contemporary Iran*. (vols. 3 & 6). Tehran: Manadi Tarbiat Cultural Institute. [In Persian]
13. Mariji, Sh. (1397 AP). *Sociology of Science and Technology*. Qom: Ma'arif Publications. [In Persian]
14. Mariji, Shamsullah. (1382 AP). *Secularism and the social factors of its formation in Iran*. Qom: Imam Khomeini Institute Publications. [In Persian]

15. Matin Daftari, A. (1370 AP). *Memoirs of a Prime Minister*. Tehran: Scientific Publications. [In Persian]
16. Mohit Mafi, H. (1363 AP). *Preliminaries of constitutionalism*. (vol. 1). Tehran: Ferdowsi Publications. [In Persian]
17. Motahari, M. (1368 AP). *Causes of Materialism*. (15th ed.). Sadra Publications. [In Persian]
18. Naghavi, A. M. (1363 AP). *Sociology of Westernism*. (vols. 1 & 2), Tehran: Amirkabir. [In Persian]
19. Pahlavi, M. R. (1348 AP). *Mission for my homeland*. Tehran: Book Translation and Publishing Company. [In Persian]
20. Sadr, M. (1364 AP). *Sadr al-Ashraf Memoirs*. Tehran: Vahid Publications. [In Persian]
21. Sarukhani, B. (1370 AP). *An Introduction to the Social Science Encyclopedia*. Tehran: Kayhan Institute. [In Persian]
22. Satin, A. (1335 AP). *Reza Shah Kabir or New Iran*. (Sabouri, A, Trans.). Tehran. [In Persian]
23. Shojaeizand, A. R. (1376 AP). Secularism is the essence of the West. *Keyhan Farhangi*, (137), pp. 26-29. [In Persian]
24. Warahram, Q. R. (1366 AP). *Political system and social organizations of the Qajar period*. Tehran: Farhang Publications. [In Persian]
25. Zouelm, A. (1384 AP). A reflection on the concept of challenge in Iranian socio-cultural literature. *Monthly Journal of Political Thought and History of Contemporary Iran*, 4(36), pp. 34-37. [In Persian]